

احساس خطر!

امروزه جنبش زنان در ایران موفقیت های فوق العاده داشته و باعث وحشت و نگرانی دولت جمهوری اسلامی شده و به همین علت، دولت آنان را مورد هجوم خود قرار داده است.

در این روزها بازداشت هایی دیده میشود که جسته و گریخته دولت جمهوری اسلامی افرادی را دستگیر کرده و با مورد اتهام قرار دادن آنان پرونده سازی میکند که آنان را به نوعی سابقه دار کرده و با کوچکترین حرکت دیگری با وجود اتهام هایی که قبلاً به آنها وارد شده، آنان را راهی زندان های طولانی مدت کرده و با آنها به عنوان افراد سابقه دار بر خورد میکنند و به جرم اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی آنان را مورد مؤاخذه قرار میدهند، و در نهایت خیلی سریع به خواسته های خودشان که خفقان مطلق است میرسند این است که نباید این دستگیری های افرادی را دست کم گرفت و باید مدافعین حقوق بشر به آنها توجه کنند، و این نباشد که فقط در برابر دستگیری های دسته جمعی بیانیه بدهند و یا برخورد کنند، البته اشاراتی در شورای حقوق بشر و سازمان ملل شده، و نگرانی خودشان را اعلام کرده اند و از دولت ایران توضیح خواسته و خواستار آزادی آنان شده اند، اما این کافی نیست.

با وجود فعال بودن مدافعان حقوق بشر و تا حدودی شورای حقوق بشر میبینیم که متأسفانه نه تنها ملت ایران بلکه مدافعان حقوق بشر نیز کاری نمی توانند انجام بدهند، چرا که یک دولت مستبد و سرکوبگر در برابر ماست که با شیوه های متفاوت این فعالیت ها را سرکوب کرده و با رشوه دادن و مراودات بین کشورها این فعالیت ها را لوٹ و بی ارزش می کند .

اگر چه روزی که خمینی آمد، گفت که ما این قوانین حقوق بشر را به رسمیت نمیشناسیم ، اما ایران تمام عهدنامه ها را در مجامع حقوق بشر و در سازمان بین الملل امضاء کرده و همه آنها را قبول دارد، اما فقط در همین ابعاد و نه در حد اجرا، و عملاً ایران یکی از بزرگترین ناقضان حقوق بشر میباشد.

کشوری که زنان و معلمان خود را در زندانها برده و به خواسته های مدنی آنها رسیدگی نمی کند، روزنامه نگاران و دگراندیشان را ممنوع القلم و یا بازداشت کرده و در مواردی ممنوع الخروج میکند، همین که کسی به مورد کوچکی اعتراض میکند فوراً به اتهام اقدام علیه امنیت ملی محکوم میشود. آیا واقعاً امنیت ملی آنقدر سست و ضعیف است که وقتی دو زن برای امضاء جمع کردن که حق بدیهی هر انسانی است به یک پارک میروند آنان را گرفته و به همین جرم به زندان میبرند و افراد را با هر حرکتی به جرم اقدام علیه امنیت ملی سابقه دار میکنند.

براستی این امنیت ملی چیست؟ البته یکی از علل این بازداشتها به خاطر این است که در قانون اساسی ایران جرمی به نام جرم سیاسی نداریم و اگر داشته باشیم، کل قانون اساسی واقعاً زیر سؤال می رود چرا که سیاسی بودن و یا سیاسی فکر کردن حق هر شهروندی است و اگر آن را جرم محسوب کنند به رسمیت، ناقض حقوق بشر میشوند. لذا افراد را به جرم اقدام علیه امنیت ملی و یا اقدام علیه دین و اسلام و غیره به زندانها انداخته و در مواردی برای ترساندن مردم چند تنی را هم اعدام میکنند و یا به زور در رسانه های خبری خود آورده و از آنان اعتراف میگیرند.

این روزها به وضوح دیده میشود که پس از حرکت جنبش دانشجویان، حرکت سندیکای شرکت واحد و پس از آن حرکت جنبش زنان و بعد حرکت سندیکای معلمان را شاهد هستیم که کم کم این اعتراضات توده ای، بشکل فراگیر و در کل به همه اقشار جامعه تبدیل شده است و ما شاهد هستیم که در ایام نوروز که مهم ترین زمان از لحاظ ملی برای ما ایرانیان است، این رژیم استبداد گر معلمان و زنان این مرز و بوم را به زندان میبرد و با این حرکت رعب و وحشت را در دل مردم جای میدهد، و همه این حرکتها به خاطر احساس خطری است که جمهوری اسلامی دارد و به همین خاطر امروز زنان را مورد فشار قرار میدهد و هر چند وقت یک بار که دچار بحران، و فشار داخلی و بین المللی میشود، به زنان و نوع پوشش و حجاب آنان فشار میآورد و میبینیم که اعلام کرده اند که در اردیبهشت ماه برخورد جدی خواهند کرد و طبق آماري که میدهند ۹۳٪ افراد خواستار این برخورد هستند و به گفته آنها با ۷٪ بقیه مردم باید برخورد کنند که به راستی این آمار و ارقام مثل سیاستها یی که دارند خنده دار و بی ارزش است.

البته این مسائل را نباید سهل بگیریم، شما نگاه کنید در زمانی که جمهوری اسلامی خود را وارد بحران اتمی کرده، جامعه و افکار عمومی را مشغول مسئله گروگان گیری ۱۵ ملوان انگلیسی میکند و پشت درهای بسته و در خفا با دولت ها به معامله کردن میپردازند و در یک حرکت نمایشی، تنی بلر یک ارتیماتم ۴۸ ساعته میدهد و در عرض فقط ۲۴ ساعت گروگانها را آزاد میکنند، اما اگر خوب بنگرید، آنان در ابتدا مقام دوم سفارت ایران که در عراق دستگیر شده بود را آزاد کردند و بعد جمهوری اسلامی این ۱۵ نفر را آزاد کرد و احتمالاً این یک حرکتی بود که در آینده نزدیک آن ۵ نفر که در اربیل عراق دستگیر شده بودند آزاد خواهند شد و این بحران زائی ها است که به دولت مردان ایران کمک میکند تا به حکومت خود ادامه دهند و در نهایت به ضرر ملت ایران تمام میشود.

در جایی دیگر میبینیم که در آستانه آب اندازی سد سیوند که با این عمل، کلی از تاریخ و افتخارات و آثار باستانی ما ایرانیان به زیر آب خواهد رفت، روز ملی شدن و جشن هسته ای را اعلام کرده و جشن هسته ای میگیرند و با این خبر توانستند پوششی بر خبر سد سیوند بکشند که آثار تاریخی و ملی را از بین ببرند و با این خبر و خبر های گوشه و کنار، پوششی کلی بر قطعنامه دوم سازمان ملل گذاشتند و با سهل گرفتن و اقدامات نسنجیده، کشور را به گرفتاری بزرگی سوق می دهند که ضرر های آن به آسانی رفع نمیشود و ملت ایران را دچار چالش هایی خواهند انداخت.

از نظر من این قبیل سیاستها فقط و فقط به خاطر احساس خطری است که جمهوری اسلامی از داخل و خارج میکند.

زنده باد آزادی، زنده باد عدالت، سرنگون باد جمهوری اسلامی

آپریل ۲۰۰۷/فروردین ۱۳۸۶